

# دختران نترسند انشاء الله ديگر ورزشی ممنوع نمی‌شود

ناگفته‌هاي معاون وزير ورزش در دولت  
روحاني از ۴۰ سال فعاليت در حوزه  
ورزش زنان

سلطاني فر مي‌گفت نمي‌دانم چرا به  
من مي‌گويند پرسپوليسي

علي ولي‌اللهي

دکتر مهين فرهادي‌زاد جزو اولين مديران ورزش زنان بعد از انقلاب است. از سال ۶۳ مسوليت داشته و در دولت دوازدهم بالاترين سمت خود يعني معاوني وزير ورزش و جوانان را هم تجربه کرده است. خودش مي‌گويد از همان شروع کار تا زماني که معاون مسعود سلطاني‌فر شد با چالشهاي متعددي روبه‌رو بوده؛ چالشهايي که گاهي او را در تنگنا قرار داده‌اند. مي‌گويد عمرش را در ورزش زنان سپري کرده و به خاطر اين از بسياري امتيازاتي که مي‌توانسته به دست آورد چشم‌پوشي کرده. پاي صحبت‌هاي ايشان نشستيم و آنچه از دهه ۶۰ تا سال ۱۴۰۰ بر ورزش زنان گذشته را مرور کرديم. لازم به ذکر است متن پيش رو چکيده‌اي از گفت‌وگوي تفصيلي «اعتماد» با خانم دکتر فرهادي‌زاد است. گفت‌وگوي مفصل تصويري با ايشان امروز در خبرگزار «اعتماد آنلاين» و صفحات مربوطه در شبکه‌هاي اجتماعي منتشر شده است.

گفته شده او ايل انقلاب برخي ورزشکاران زن که در رژيم سابق  
فعاليت مي‌کردند حذف شدند.

من از سال ۶۳ مسوليت داشتم. بچه انقلاب هم بودم. من زمان شاه هم چادري بودم. از زماني که مسوليت داشتم اين چيزي که شما مي‌گويد نه من و نه ساير همکارانم که در بحث مديريت ورزشي زنان حضور داشتند کسي را با اين نگاه نديديم. اما بالاخره انقلاب شده. در اين تغيير و تحولات افرادي هستند که اعمال سليقه در بخشهاي مختلف

دارند؛ به درست یا به غلط. بنابراین احتمالاً برخی آدم‌ها گرفتار اعمال سلیقه‌ها شدند. بسیاری از چهره‌های مهم ورزشی قبل از انقلاب بودند که بعد از انقلاب مسوول شدند. اصلاً ما حق نداشتیم چون امام اشاره داشتند ملاک حال افراد است. ممکن است يك جايي هم يك كسي اشكالي ايجاد كند كه بايد كمكش كنيم. توي همان دوران يك نفر به من پيشهاد داد بيا مسوول استخر منطقه ۶ شو. من رفتم. بچه‌ها مي‌رفتند شنا مي‌کردند و همه‌چيز مرتب بود. يك روز يك خانمي آمد از همين‌هايي كه اعمال سلیقه مي‌کرد. گفت عه! اينها چرا با حجاب توي آب نيستند؟ خب ببينيد اين چيزها بود! من گفتم بله شما درست مي‌گويد و ايشان را به بيرون هدايت كرديم. اين جزو همان افراي است كه ما بايد كمكش كنيم ارزشهاي انقلاب را بفهمد و ببيند و بنا بر اين نميشود اينها را تعميم داد.

### **آيا درست است كه عده‌اي قصد تعطيلي ورزش زنان را داشتند؟**

آنها متوجه نبودند. آن اهميت ورزش زنان در ايجاد ارتباط با دنيا را الان تازه دارند ياد مي‌گيرند. اين قدر كه ورزش زنان توانسته در صدور ارزشهاي انقلاب كمك كند، ورزش آقا يان اصلاً نتوانسته. شما دختر قهرمان‌مان را در بازي‌هاي جاكارا تا ببينيد كه در همان روز اول رفت و مدال طلا را گرفت. رييس‌جمهور اندونزي رفت مدال طلاي دختر ما را بدهد. اين دختر ما با پوشش اسلامي روي سكو قرار گرفته. رييس‌جمهور بعد از اهداي مدال و هدايا رفت كه با سبك خودش تشكر كند و دست بدهد. دختر ايراني جمهوري اسلامي ايران با عفاف، با احترام به آنها گفت من مسلمانم و نمي‌توانم با شما دست بدهم. او بسيار زيبا و عفيفانه اين كار را انجام داد كه طرف متوجه شد، چون مي‌دانيد در عرف بين‌الملل ممكن بود ناراحت بشود و برود، اما متوجه شد اين دختر با ارزشهاي نظامش است كه زندگي مي‌كند. اين كار يك روز دو روز نبود. اين كار يك نفر دو نفر نيست. كار يكسري آدم‌هاي زن و مردی است كه در بخشهاي مختلف كار كردند و اين بچه توي اين شرايط رسیده به اينكه مدالش را بگيرد و بگويد من يك زن مسلمان جمهوري اسلامي هستم.

### **برخي مي‌گويند اين از سر اجبار است.**

يك وقت هست موضوع حجاب را مطرح مي‌كنيد. حجاب پوششي است كه در واقع ورزشكار ما با شرايط جمهوري اسلامي دارد. يك وقت هست بحث عفاف است و اين عفاف و فضاي فكري كه ورزشكار ما داشته باشد به او گفته نشده دست نده ولي در تمام طول اردوهاي او و مسابقات او با شرايط نظامش جلو مي‌رود. مثل چيزي كه از ورزشكار آلماني مي‌بينيد. او هم با شرايط نظام خودش جلو مي‌رود و ممكن است توي سالن جلوي همه لباسش را عوض كند ولي شما امروز مي‌بينيد كه ورزشكار پسر ما

هم با توجه به شرایط عفاف و ارزش‌هایی که به او داده شده رعایت می‌کند.

از بازی‌های آسیایی پکن بگویید. شما اولین سرپرست اولین کاروان اعزامی زنان ایران به مسابقات بین‌المللی بعد از انقلاب بودید. آن زمان در کمیته ملی المپیک سه نفر عضو بودند. خانم هاشمی، خانم طاهریان و من. تیراندازی زنان هم پوشش کاملی داشت و جزو رشته‌های اولی بود که پیشنهاد شد. برای حضور زنان در بازی‌های آسیایی بالاخره باید از یک جایی شروع می‌شد. صحبت شد توی جلسه با استدلال‌هایی که آمد متقاعد شدند که تیم تیراندازی زنان به بازی‌های آسیایی اعزام شدند.

**تفاوت زنان ایرانی در بازی‌های آسیایی تهران و پکن واکنشی به همراه نداشت؟**

ما بعد از مدتها که زن‌ها در مسابقات آسیایی غایب بودند راهی مسابقات شدند و ما در دهکده اسکان داده نشدیم. رفتیم داخل یک هتل. روز ششم مراسم افتتاحیه بازی‌ها انجام شد. من به همراه بچه‌های دختر رفتیم خدمت آقای غفوری‌فرد و ایشان دستور دادند ما برویم دهکده و گفتند آماده شوید برای مراسم افتتاحیه. آن ۶ نفر که در مراسم رژه هستند بچه‌های تیراندازی هستند و در یک عکس که ایرانی‌های حاضر در استادیوم را نشان می‌دهد یک زن چادری هست و آن هم من هستم. ما در آن ۶ روز هر جا می‌رفتیم و در هر زمین تمرین همه با تمام وجود این ۶ نفر را تشویق می‌کردند به ویژه کشورهای مسلمان. جملاتی که می‌گفتند این بود که بچه‌های سنتی‌تان را آوردید و ما این قدر از این بچه‌های سنتی داریم که بالاتر از اعضای فعلی تیم‌هایمان کار می‌کنند اما ما نمی‌توانیم بیاوریم‌شان چون فکر می‌کردند مجامع بین‌المللی اجازه حضور نمی‌دهند. این کار ساده‌ای نیست.

**پس فضا مثبت بود.**

من میدانم شما با این تفکر آمده‌اید مصاحبه که قبل از انقلاب توی بازی‌های آسیایی تهران بچه‌ها بدون پوشش بودند الان این تغییر و تحول چه تفکری ایجاد می‌کند. خدای نکرده بیننده‌ای که می‌بیند فکر کند این حجاب و باورهای انقلاب ما را به قرن گذشته برگردانده. اتفاقاً ما جلو رفتیم. ورزش زنان بسیار جلو هم آمد و رشد کرد. نکته این بود که کشورها نمی‌خواستند جلو بیایند و خودشان را در این زحمت بیندازند. از تلاشی که جمهوری اسلامی کرد و زنان در مسوولیت‌های مختلف کردند که زنان مسلمان هم حق دارند در مسابقات مختلف شرکت کنند. در مجموع سختی بود. فشارهای زیادی بود اما وقتی بچه‌های ما برای اولین بار در بازی‌های آسیایی با پوشش اسلامی حاضر

شدند تمام این ملت بلند شدند و آنها را تشویق کردند و همه وزرا و مسوولان کشورهای آسیا بلند شدند و از آقای غفوری فرد تشکر کردند. فرداش چند تا ماشین آمدند. سفرا و مقامات حاضر شدند و تبریک گفتند و اظهار داشتند کاری که جمهوری اسلامی با میلیاردها تومان نمی‌توانست انجام دهد در صدور ارزشها شما انجام دادید. از فرداش ما دیدیم در هر سالنی در دهکده‌ای عکس دختران ما با حجاب زده شده. تمام روزنامه‌ها عکس دختران ایرانی بودند.

### **برای بچه‌ها لباس فرم رژه طراحی نشده بود؟**

بچه‌ها کت و شلوار تیراندازی پوشیده بودند. لباس يك فرم داشتند اما روی آن چادر پوشیده بودند، چون بحث لباس شد و میدانم در ادامه می‌خواهید در مورد شورای مجوز لباس بپرسید همین حالا بگویم گاهی سوال می‌شود شما اینجا جلسه شورای مجوز لباس دارید چرا این کار را می‌کنید؟ ما نداریم! ما به دلیل اینکه در واقع باید مجوز لباس از خارج از کشور بگیریم باید يك جایی شرایط گرفتن لباس را فراهم کنیم. مسابقات ورزشی استاندارد لباس خودش را دارد. ما می‌گوییم با توجه به مبانی اعتقادی‌مان باید لباس‌هایی تن ورزشکار کنیم که بتوانند در مسابقات حاضر شوند. این لباس‌ها باید استاندارد ورزش را به هم نزنند پس باید برویم مجوز لباس را از مجامع بین‌المللی بگیریم. برای اینکه آن مجوزها را بگیریم باید اینجا کار کنیم تا آن مطلوب را فراهم کنیم. گاهی ما را متهم می‌کنند که شما اینجا دارید تصمیم می‌گیرید. این‌طور نیست. ما برای اینکه سرخود عمل نکنیم و نگاه فنی بخش خودش را بگیریم، بعد نگاه پزشکی را بگیریم که بچه‌های ما آسیب نبینند. گرم‌زده نشوند. چیزی را تهیه کنیم بچه ما در آن هم کیف کند هم کارش را بکند هم رفتار يك زن مسلمان را داشته باشد.

**سرعت رشد ورزش زنان در ایران تحت تاثیر دولتها قرار گرفته یا خیر؟**

حتما همین‌طور بوده. گاهی هم دولتها کاره‌ای نبودند. همان‌طور که گفتم اوایل انقلاب عده‌ای سلیقه‌های خودش را مطرح می‌کردند بدون پشتوانه علمی و...

**من فکر می‌کنم به سیاست دولتها ربط داشته. مثلا امروز مچ‌اندازی زنان ممنوع شده و در زمان شما ورزش‌های زورخانه‌ای مجوز نگرفت.**

ما باید چند تا موضوع را حل کنیم. در ورزش زورخانه‌ای چه کار می‌کنیم؟ بحث توانمندسازی زنان مطرح است دیگر. قدرت و استقامت و چابکی می‌آورد. ولی مگر اینها در ورزش‌های دیگر نیست؟ مگر من تحصیلکرده ورزش نیستم؟ اینها را می‌فهمم. يك بخش ماجرا این است و هیچ اشکالی ندارد. يك بخش دیگرش این است که چند نفر در این

رشته‌ها فعالیت می‌کنند؟ مرا گذاشته‌اند مسوول و باید بررسی کنم. رییس فدراسیون وقت آمد و يك مجموعه‌اي آورد که این رشته تاریخی است و اینها. خب من تاریخ ورزش ایران را درس می‌دادم. ولي باز رفتم جست‌وجو کردم. در تاریخ ورزش ایران هیچ جایی زنان در زورخانه حضور نداشتند. گفتیم عیب ندارد و شما بیایید يك‌جور دیگر دفاع کنید. بررسی بعدی این بود که چند نفر در این رشته فعالیت می‌کنند؟ چرا این سوال را می‌کنم؟ برای اینکه من باید دست در جیب آدم‌ها کنم و از پولی که دولت به ما می‌دهد و مال مردم است بروم برای اینها سالن بسازم و امکانات بگیریم. شما می‌گویید همه رشته‌ها اول ده نفر بیست نفر بودند. ما به آنها گفتیم بروید در سالن‌هاي زیرنظر فدراسیون خودتان کار کنید اما اگر زورخانه می‌خواهید مخصوص بانوان و با امکانات جدید باید تعداد ورزشکار قابل توجهی وجود داشته باشد درحالی که من از هر استانی می‌پرسم کسی را ندارد. الان بروم دنبال چي؟ مجوز چي بگیرم؟

**مشکل این است که این جور چیزها گره می‌خورد با مسائل سیاسی.**  
گره می‌خورد یا گره می‌زنند؟ آخر بیایند به من نگاه کنند و بگویند این فرهادی کجاش سیاسی است؟  
**شخص شما نه...**

این بستگی به نفر دارد. اگر نخواهد متوجه شود خودت را بکش! فرهادی بال‌بال هم بزند سیاسی‌اش می‌کنند. ولي من که نمی‌توانم از واقعیتی که وجود دارد عدول کنم. من برای او توضیح می‌دهم. خدا می‌داند يك خانم بود فقط می‌آمد برای ورزش زورخانه‌اي. بیشتر از يك دانه هم هیچ‌وقت نیامد. برای او توضیح دادم فرصت بدهید و تا آن زمان در سالن‌هايی که وجود دارد هر جا که بگویید فضا فراهم می‌کنم تا فعالیت کنید. اما باید يك تعدادی قابل توجه بشوید و من کم‌کم فضا را باز کنم. فرهادی‌زاد باید هزینه‌اي کند و زورخانه‌اي بسازد اما کسی نباشد که برود. شما نمی‌خندید؟ خود شما می‌پرسید چرا دستخوش مسائل سیاسی شدید؟ ما ۸۶ سالن یا داخل مدرسه یا کنار مدرسه دخترانه ساختیم.

**پس می‌توانید بگویید کدام دولت خدمت بیشتری به ورزش زنان داشت.**  
اساس و پایه کار ورزش زنان در دوره آقای هاشمی‌رفسنجانی بود. ایشان زمانی که در بسیاری از استان‌ها ورزش برای زن‌ها اصلا تعریف نشده بود یعنی اجازه نمی‌دادند در يك استخر زنان کنار هم شنا کنند، خانم هاشمی با حمایت پدرش شرایط را فراهم کرد. در مجموع طی این دوران سرعت رشد ورزش زنان خوب بوده. گاهی کند شده و گاهی تند. دلیلش هم این نیست که مسوولان ارشد نظام مخالفند. آنها دنبال این چیزها نیستند. دلیلش وجود فرهادی‌زاده‌هاست. اعمال سلیقه‌ها مشکل

درست می‌کند.

**مدیران رده میانی تاثیرگذار هستند ولی امروز محدودیتها از بالا اعمال شدند.**

باید تلاش کنیم و کمک کنیم. جلوی ورزش زنان را نمی‌شود گرفت، ولی جایی که ممکن بود محدودیتی ایجاد شود و یک فرهنگی بیاید سر کار و مثل همین حالا که اتفاق افتاده ما باید بیاییم کمک کنیم و آگاهشان کنیم. بازی‌های المپیک در این دوره برگزار شد برای اولین بار مسابقات زنان پخش شد. حتی در کاراته. خیلی تلاش شد و من واقعا از صداوسیما متشکرم...

**ما می‌خواهیم کمک کنیم و می‌رویم سوال می‌کنیم چرا همچاندازی را ممنوع کرده‌اید اما...**

وقت بگیرید بروید با خودشان حرف بزنید.

**حرف گوش نمی‌کنند!**

یک وقت هست افراد تحت پوشش من هستند و من به آنها آموزش می‌دهم. من همیشه روی آموزش تاکید داشتم. مثلا برای اولین باری که مربیان و سرمربیان و دختران جوان‌مان را بردیم در آکادمی مباحثی ساده را با آنها مطرح کردیم. اینکه شما به عنوان یک جوان که بالای سر تیم دختران قرار گرفتی چه مسوولیتی داری در اینکه کمکشان کنی چگونه از فضای مجازی استفاده کنند. ما الان دخترچه داریم که از خودش عکس می‌گیرد اما بلد نیست هنگام انتشار آن حالتی را انتخاب کند که همه نتوانند ببینند و چهار تا دوستش ببینند. یک نفر هم می‌آید از عکس‌های او استفاده می‌کند بدون اینکه خطراتش را بداند. در بحث حفاظت از ورزشکاران و سوءاستفاده‌هایی که میشود خیلی چیزها را بچه‌های ما نمی‌دانند. اینکه در بحث اعزام‌ها چه آمادگی‌هایی داشته باشد در سفر مراقب چه چیزهایی باشد، مهم است.

**یعنی ما در اردوهای ورزشی زنان کلاس آموزش نحوه استفاده از اینستاگرام داریم؟**

ما درسی داریم تحت عنوان آسیب‌های فضای مجازی و کمک به مربیان و ورزشکاران برای چگونگی حمایت از خودشان در فضای مجازی. دکتر متین‌فر استاد دانشگاه است و بسیار قوی تدریس می‌کند. اتفاقا ما از طریق کمیسیون همبستگی مباحث مختلفی را از طریق اساتید مطرح کردیم و یک بحث همین است. کتابچه‌ای است که در اختیار مربیان قرار می‌گیرد.

**از ورود زنان به استادیوم در بازی ایران-کامبوج بگویید.**

در بازی ایران و کامبوج قرار شد زنان وارد استادیوم شوند. من همکاری شورای فرهنگی زنان را به صورت کامل در اختیار داشتم. یعنی رفتیم توجیه کردیم و توضیح دادیم.

**اینکه تصمیم گرفتید اینها را قانع کنید به خاطر فشار فیفا بود یا خود دولت به این نتیجه رسید؟**

ما مجوز لباسها را برای چه چیزی هماهنگ میکنیم؟ پس بحث نهادهای بینالمللی هم مطرح است اما این خواست خود بچه‌های ما بود. ما اینها را به آن شورا می‌گفتم. بحث آنها بحث آماده‌سازی زیرساختها بود. ما در جلسهای که دکتر سلطانی‌فر و خانم آیت‌اللهی داشتند همه چیز را ردیف کردیم و یک گروه از آن شورا آمدند و از امکاناتی که در آزادی فراهم شده بود دیدن کردند. جایگاهی که برای بخش زنان دیده شده بود مورد قبول واقع شد، در نهایت خوشبختانه موافقت شد. من از ساعت دوازده ظهر روز بازی به همراه همکارانم در معاونت بخش زنان در همان قسمت ابتدای تونل قرار گرفتیم. برای من که ۳۵ سال میشد در ورزش زنان بودم و با روحیات ورزشکاران زن آشنایی داشتم خیلی جالب بود که وقتی دو تا اتوبوس اول پیاده شدند بچه‌ها از لب تونل شروع کردند به دویدن. من فکر کردم کسی از بازیکنان آنجاست اما ورزشگاه خالی بود. من هم شروع کردم به دویدن چون دقیقا می‌خواستم احساس کنم چه چیزی در جریان است. وقتی رسیدند لب چمن تمام این بچه‌های رده سنی نوجوانان تا جوانان عنوان می‌کردند ای آزادی ما آمدیم!

**همه آنها گزینش شده بودند؟**

به هیچ‌وجه!

**بلیت خریده بودند؟**

من بچه‌های دانشجوی خودم از دانشگاه الزهرا را بین جمعیت دیدم. من نگفته بودم بیایند. خودشان بلیت گرفته بودند و ثبت‌نام کرده بودند. گزینشی نبود. یک تعدادی در کنار اینها برای کمک خودمان گذاشته بودیم. خیلی‌هاشان علاقه‌مند صددرصدی فوتبال هم نبودند.

**سبک مدیریت آقای سلطانی‌فر در حوزه ورزش زنان چطور بود؟**

خدا را شاهد می‌گیرم من ایشان را به اندازه سایر همکارانم نمی‌شناسم اما ایشان این ویژگی را داشت که در کار بخش من به هیچ‌وجه، نه اینکه دخالت نکند چون بالاخره مقام مسوول من بود ولی آزاد بودم در ارتباط با کارهایی که می‌خواستم انجام دهم. همه کارها را خودم می‌کردم. البته شنیدم که می‌گویند ایشان ممانعت به عمل می‌آورد ولی اینطور نبود.

**خانم هاشمی در گفت‌وگو با سالنامه اعتماد گفت ایشان و شما حاضر نشدید به خاطر ورزش زنان ریسک کنید.**

من یک جواب دیگر بدهم. من اعتقاد دارم وقتی یک کسی، خودم را نمی‌گویم، می‌آید از زندگی‌اش می‌گذرد و از امکاناتی که می‌توانسته بگیرد که استاد تمامی بوده می‌گذرد و با حقوقی که همه کارمندان

میگیرند بازنشسته میشود و تلاش می‌کند و در معرض بیشترین تصمیم‌گیری‌های سخت قرار می‌گیرد، چون خیلی‌ها حاضر نیستند همیشه پاسخگو باشند و مصاحبه کنند، وقتی شخصی می‌آید و بحثش خدمت به مردم است نباید خدماتش فراموش شود. ممکن است يك جايي هم كاري كند كه مطابق سليقه شما نباشد. ما نمي‌توانيم اين فرد يا مديري كه ساختيم، نظام ساخته و خودش تلاش کرده و از خیلی مواهبش گذشته با دو كلمه نمي‌گويم خرابش كنيم، به او آسیب بزويم. او كه كوچك نميشود. كار خودش را مي‌كند و اعتقادات خودش را دارد. اما با اين رفتار ما به جوان‌ترهاي توي اين مسير مي‌گويم اگر بي‌ايي و در اين مسير حرف ما را نزني همين آش و همين كاسه است. اين شيوه غلط است. فرهادي‌زاد يك شخصي مستقل است. نه سنش سني است كه نفهمد و تحليل نكند و نه بي‌تجربه است. برنامه‌هاي متعددي با كمك خود شما انجام داده و تجربه كسب کرده. ما بايد به اين تجارب احترام بگذاريم و كمك كنيم و تقويت كنيم مديران‌مان را.

**اين جواب به خانم هاشمي بود؟**

حالا بالاخره ديگر. ايشان دوست عزيز من است.

**آقاي سلطاني‌فر پرسپوليسي بود؟**

خدا شاهد است در جلسات هم مطرح مي‌کردند و اين بنده خدا عنوان مي‌کرد من نمي‌دانم چرا به من مي‌گويند پرسپوليسي. من نمي‌دانم و چيزي هم در اين فضاها نديدم.

**در دوره فعاليت‌تان يك جنجال بزرگ داشتيد. بحث ريحانه خواندن زنها و عدم تطابق فيزيولوژي ورزشكاران زن با برخي ورزشها مثل پرورش اندام.**

ببينيد وزنه‌برداري را من خودم جزو كساني بودم كه تايد كردم. موثرترين فرد براي مجوز لباس اين رشته خودم بودم. در پاورليفتينگ ما داشتيم براي مجوز تلاش مي‌كرديم كه مجوز بدهيم كه داديم. بحث پرورش اندام مطرح بود. خبرنگار سوال كرد پرورش اندام چه؟ گفتم نه! پرورش اندام با پاورليفتينگ فرق دارد. شما پرورش اندام را ميشناسيد؟ به چه شكلي آدم عضلاتش را حميم مي‌كند؟ هرمون ميزنند ديگر. مگر نفر اول كشور را نديديم كه طفلك چه آسيب‌هايي ديد؟ بنا بر اين در تمام دنيا همين‌طور است. از انگليس يك پزشك به من زنگ زد بعد از آن مصاحبه. گفت شما فرهادي هستيد؟ گفتم شما هم ايراد داريد به حرف من؟ گفت نه من مي‌خواهم تايدت كنم. همه حرف‌هايي كه زدي درست بود، ولي تو را كسي تايد نمي‌كند. با جان اين حرف را ورزشكاري ميزند كه تحصيل‌كرده ورزش هم هست. دكتراي تربيت‌بدني دارد. برويد از بقيه هم پيرسيد. توي پرورش اندام مي‌توانيد حجم عضلات را خيلي زياد كنيد؟ مگر اينكه وزن‌تان را به اندازه



وزنه بردارها بالا ببرید. بروید از نقطه نظر فیزیولوژی بشناسید. من نه راجع به وزنه برداری حرف زدم نه راجع به بوکس.  
**بوکس هم داستان خودش را دارد.**

بله. بنابراین بحث پرورش اندام را نه از نظر شکل و شمایل می‌توانستیم وارد شویم چون شما چي را باید نشان بدهید؟ مگر می‌شود از زیر لباس حجم عضله را نمایش داد؟ شما حتی فیلم نمایش ورزشی مردان هم نمی‌توانید پخش کنید. بنابراین ورودش غلط است. من بحث چیزهای دیگر را نمی‌کنم. بحث سلامتی است.

**در زمان شما به نظر رسید بوکس راه افتاد بعد ناگهان تعطیل شد.**  
در ابتدای کار نظر خودم مخالف بود، ولی آنجا يك نفر تصمیم‌گیر نیست. ما در ورزش زنان شورایی کار می‌کردیم. اگر من روی هوا بگویم نه، یعنی نه بحث پزشکی‌اش را دیدم و نه بحث فرهنگی‌اش را. ما يك شورایی داریم که در این شورا معاون ورزش مردان است. معاون فرهنگی هست. بخش مدیرکل حراست هست. دو تا خبره زن و پزشک هستند. بحث بوکس از گذشته‌ها در شوراهای نبوده. بعد يك روز بچه‌ها آمدند. تعدادشان هم کم نبود. مواردی را مطرح کردند که جای تامل داشت، چون آنها کارشان را می‌کردند. در زیرزمین‌ها تمرین می‌کنند. من به آنها گفتم اجازه بدهید من مستندات را آماده کنم. رفتم دنبال آسیب‌ها. آسیب‌های بوکس روی صورت و استخوان‌های صورت ممکن است زندگی را از فرد بگیرد. عکس‌های مختلف از مکان‌های تمرین آنها را هم آوردم. مشکلاتی که از بحث حفاظت از ورزشکاران مطرح بود را هم گذاشتم. در جلساتی که داشتیم من با دلایلی که جمع کرده بودم گفتم بحث آسیب‌های فیزیکی هست نه اما بحث آسیب‌های دیگر را هم باید دید. من به آنها گفتم چرا نمی‌روید کیک بوکس؟ چرا ووشو نه؟ جواب می‌دادند خانم من دنبال هیجانم و هیجان را در بوکس دیدم. جالب است که در بررسی‌هایمان فهمیدیم ووشو حرکات خیلی خشن‌تری از بوکس دارد. ما تا يك بخشی توجیهاتی داشتیم و برخی موافقت‌ها را هم گرفتیم. حتی به این نتیجه رسیدم من راه‌اندازی کنم که بعدی راحت باشد. ولی عمر کاری ما کفاف نداد. الان هم می‌گویم بوکس خطرات خاص خودش را دارد ولی تعداد زیادی جذب بوکس شدند. بچه جوانی که روی عقل و استدلالش حرف می‌زند. اگر می‌توانیم ما بدون اینکه فضای خارجی آن را مطرح کنیم در داخل زیر پوشش خودمان بگیریم این بهترین شرایط کار برای آنهاست.

**دختران می‌گویند مخالفت با بوکس زنان سیاسی است و لجبازی با زنان.**

نه بالاخره بچه به يك جایی می‌رسد که استدلال خودش است. يك بحثش دوست داشتن است. يك بحثش این است که شما الگو می‌شوید برای بقیه

بچه‌ها. آن کسی که مربی جامعه است باید مسیر درستی ردیف کند.

### پیش‌بینی‌تان از آینده ورزش زنان چیست؟

نمی‌تواند ایست کند. راهی ندارد جز جلو رفتن. مطمئناً برای دور بعد روی مدال‌آوری دختران در المپیک کار می‌کنیم. ورزش دست فدراسیون‌هاست. در فدراسیون‌ها که کسی جلوی‌شان را نگرفته. بروند کار کنند. مگر در همین فدراسیون بیماران خاص به من می‌گویند زن‌ها نیایند؟ خدا شاهد است که این‌طور نیست. با توجه به اینکه ما در دوره قبل مسابقات در نیوکاسل توسط زن‌ها مدال‌های بیشتری آوردیم تصمیم گرفتیم زنان بیشتری را راهی مسابقات کنیم. این کار را هم می‌کنیم. چه کسی می‌خواهد جلوی مرا بگیرد.

به خاطر اعمال محدودیتهای وزارت ورزش جدید چشم‌بعضی‌ها ترسیده. نترسند و بروند جلو و کارشان را بکنند.

صبح بیدار میشوند و نامه می‌دهند و ممنوع می‌کنند!

خیر است، ان‌شاءالله این کار را نمی‌کنند.

اوایل انقلاب می‌گفتند چرا دختران توی استخر بدون حجاب هستند! ورزشکار دختر جمهوری اسلامی نشان می‌دهد با ارزش‌های نظامش زندگی می‌کند.

فقط يك زن متقاضی راه‌اندازی ورزش زورخانه‌ای بود نه بیشتر.

من بال‌بال هم می‌زدم تصمیماتم را سیاسی جلوه می‌دادند.

در اردوهای تیم‌های ورزشی دختران کلاس آموزش استفاده صحیح از اینستاگرام داریم.

تماشاچیان زن بازی ایران و کامبوج گزینش شده نبودند.

از زندگی و تمام امکاناتی که می‌توانستم داشته باشم گذشتم.

سلطانی‌فر در جلسات می‌گفت نمی‌دانم چرا به من می‌گویند

پرسپولیسی؟

پزشکی از انگلیس زنگ زد و گفت: حق با توست؛ فیزیولوژی زنان

برای ورزش پرورش اندام مناسب نیست.

خطرات زیرزمینی مانند بوکس زنان از راه‌اندازی این ورزش بیشتر

است.